

تحلیل تربیتی آیات الاحکام سهم الارث زوجین

خدیدجه وحیدی^۱ و مریم وفادار^۲

چکیده

آیات الاحکام که بخشی از آیات قرآن کریم است، بیانگر احکام شرعی است و مهم‌ترین منبع فقه اسلامی به شمار می‌رود. با توجه به تعریف تحلیل تربیتی که نشان از تعامل فقه و تربیت در احکام شرعی دارد، پرداختن به فلسفه، آثار و پیامدهای تربیتی ضرورت می‌یابد و در این میان موضوع ارث که از مهم‌ترین مسائل اقتصادی در خانواده و مورد توجه ویژه شارع بوده است، نظام ارث در اسلام بالاخص تفاوت سهم الارث زن و مرد، سبب ایجاد موجی منفی نسبت به احکام خانواده، ناکارآمدی و گاه ظالمانه تصور کردن آن را موجب شده است؛ حال آن که تحلیل تربیتی آیات الاحکام در آشنایی با ظرفیت‌های فقه در عرصه‌های جدید، زمینه‌سازی برای پابندی بیشتر مکلفین به اوامر الهی و دفع شبهات مؤثر خواهد بود. این تحقیق با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل آیات الاحکام سهم الارث همسران و آثار و پیامدهای تربیتی آن و پاسخ به مباحث مرتبط با آن می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل تربیتی، آیات الاحکام، ارث، فلسفه، آثار و پیامدهای تربیتی

۱. کارشناسی ارشد فقه خانواده، جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه، مشهد مقدس، hrevaidiVA@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی گروه فقه و معارف اسلامی، جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه، مشهد مقدس،

Maryam_vafadar@miu.ac.ir



مقدمه

ارث، به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل حقوقی و اجتماعی در جوامع مختلف همواره مورد توجه بوده است، زیرا اموال انسان چه کم باشد و چه زیاد، پس از مرگ به دیگران می‌رسد و انسان نیاز به مشخص کردن جانشین پس از خود را احساس می‌کند. گرچه همه اموال در اصل متعلق به خداوند متعال و میراث اوست: «إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ» (مریم/۴۰)؛ تنها ما مییم که زمین و اهلیش را به ارث می‌بریم و همه به سوی ما بازگردانده خواهند شد»، لیکن آن را ودیعه در دست انسان‌ها قرار داده است و امانتی است که بعد از فوت انسان، نزدیک‌ترین افراد به شخص، به ارث می‌برند: «الْمَالُ لِلَّهِ وَذَائِعَ عِنْدَ خَلْقِهِ؛ مال از آن خداست، آن را نزد آفریدگانش به امانت نهاده است» (نوری، ۱۳: ۱۴۰۹/۵۲)؛ و همچنین: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (اعراف/۱۲۸)؛ زمین برای خداست، آن را به هر کس از بندگان خود خواهد به میراث دهد؛ به جهت اهمیت ساماندهی انتقال مالکیت از گذشتگان به آیندگان از طریق ارث، بر خلاف آن چه در آن ایام معمول بود، شریعت اسلامی رویکردی ویژه در تشریع احکام و قواعد ارث در پیش گرفت.

شارع حکیم، مبانی مبادلات مالی بین مردم را در اصول کلی خلاصه کرده است تا حصول منافع، حفظ نظم، رشد و پیشرفت در زندگی و سایر اهداف جامعی را که قانون‌گذار در پی آن است، بدون ورود در تفصیل و تطبیقات آن که متأثر از عرف و عادت است، به دست آید و جزئیات امر را به رأی و اجتهاد فقها سپرده است تا با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی آن را برای مردم بیان دارند. اگر قانون ارث به دست مردم می‌بود، هزار گونه هرج و مرج و نزاع و اختلاف در آن واقع می‌شد؛ اما خداوند که حقایق امور را آن چنان که هست می‌داند، قانون ارث را بر نظام ثابتی که خیر بشر در آن است، قرار داده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۳/۳۶۷). این تقسیم همچون پاره‌ای از اشکال تقسیم ثروت که در دنیای امروز وجود دارد و غالباً با ناراحتی‌های اجتماعی همراه است، نمی‌باشد و طوری است که همه با آغوش باز آن را می‌پذیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۳/۳۸۴)؛ البته باید فلسفه و آثار این تقسیم به طور واضح برای همگان تبیین شود تا از سوء برداشت‌های احتمالی جلوگیری شود.

از آن جا که بحث ارث یکی از مهم‌ترین مباحث فقهی و حقوقی و اجتماعی به شمار می‌رود و گستره و شمولیت دارد و از طرفی از مسائل روز جامعه محسوب می‌شود، شبهات و سوالات زیادی در این مساله مطرح است، با تحلیل تربیتی آیات الاحکام ارث همسران می‌توان بخشی از این سوالات را پاسخ گفت. مساله تقسیم ارث امروزه سبب بسیاری از اختلافات، قطع روابط خانوادها و حتی گاهی سبب جرم و جنایت است. مسائلی هم‌چون کم‌تر بودن سهم زوجه نسبت

ابن فارس در کتاب مقاییس اللغة در رابطه با معنای ارث آورده: «(وَرَثَ) الْوَاوُ وَالرَّاءُ وَالشَّاءُ: كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ، هِيَ الْوَرِثُ. وَالْمِيرَاثُ أَصْلُهُ الْوَاوُ. وَهُوَ أَنْ يَكُونَ الشَّيْءُ لِقَوْمٍ ثُمَّ يَصِيرُ إِلَى آخَرِينَ. يَنْسَبُ أَوْ سَبَبٌ؛ وَاوُ وَ رَاءُ وَ ثَاءٌ: يَكُ كَلِمَةً اسْت، كِه ارث اسٲ. و ميراث ريشه‌اش از واو اسٲ.



و معنای آن این است که چیزی برای گروهی باشد و سپس به دیگران به نسب یا سبب منتقل شود» (ابن فارس، ۱۴۲۹: ۱۰۵۰).

قاموس المحيط چنین گفته است: «ارث و میراث به معنای بقاء و باقیمانده چیزی است و وارث به معنای باقی، یکی از نام‌های خداوند است» (فیروزآبادی، بی تا: ۱۶۱) و در مفردات نیز چنین آمده است: «ورث: الوراثه والإرث انتقال قنیه إلیک عن غیرک من غیر عقد ولا ما یجری مجری العقد؛ ارث در لغت عرب از «ورث یرث، ورثا و ارثا...» به معنای «انتقال مال یا دارایی متوفی به دیگری (خویشاوندان نسبی یا سببی)، بدون عقد (قهر) است» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۷: ۸۶۳)؛ همچنین در فرهنگ معین برای واژه ارث، چند معنا ذکر شده است، از جمله: «ترکه، میراث بردن، باقی گذاشتن مالی پس از مرگ خود، تصاحب اموال و دارایی متوفی، خواه با وصیت نامه باشد یا بدون آن، حقوقی که شخص به سبب مرگ افراد، مستحق می‌گردد» (معین، ۱۳۸۸: ۹۲).

اما در مورد اصطلاح ارث در فقه باید گفت که بسیاری از فقها در آثار مکتوب خود، به تعریف «ارث» نپرداخته‌اند. برای مثال، محقق حلی در کتاب «شرایع الاسلام»، مساله ارث را با بحث موجبات ارث آغاز نموده است (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۳/۴)؛ ولی شهید ثانی در شرح لمعه می‌نویسد:

«کتاب المیراث: و هو مفعال من الإرث. ویأؤه منقلباً عن واول، أو من الموروث و هو علی الأول: «استحقاق إنسان بموت آخر بنسب أو سبب شیئاً بالأصله» وعلی الثانی: «ما یستحقه إنسان... إلی آخره بحذف شیء؛ میراث، صیغه مفعال، و اصل آن از موراث بوده و «یای» آن منقلب از واول است. میراث یا از ارث گرفته شده یا از موروث. بنابر اول [معنای مصدری]، یعنی: استحقاق انسان نسبت به چیزی اصالتاً، با موت دیگری، که به موجب خویشاوندی سببی یا نسبی است، و بنابر معنای دوم (مفعولی)، یعنی: چیزی که انسان، اصالتاً در اثر فوت دیگری، به سبب خویشاوندی سببی یا نسبی استحقاق پیدا می‌کند» (شهید ثانی، ۱۴۱۲: ۲/۲۹۵).

شهید اول در دروس نیز ارث را به همین معنای مفعولی آورده است (الشهید الاول، بی تا: ۳۳۳/۲). آن‌چه از کتب لغت و کتب فقهی به دست می‌آید، این است که «ارث» در لغت و اصطلاح تقریباً در یک معنا به کار برده می‌شود.

۲. تحلیل تربیتی

تحلیل تربیتی یک ترکیب واژگانی است که از دو واژه تحلیل و تربیت تشکیل شده است:

تحلیل در لغت به معنای «از هم گشادن، تجزیه کردن، فانی کردن، هضم کردن، دو یا چند بخش کردن لفظی را و از هر بخش معنی علی حده گرفتن و بعضی را به حال خود وا گذاشتن» (معین، ۱۳۸۸: ۳۳۳) است که چنین تعریف می‌شود: «بررسی کردن جزئیات یک موضوع برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر یا یقین میزان درستی یا نقد آن است و تحلیل‌گر به معنای آن کسی که یا آن چیزی است که جزئیات یک موضوع را بررسی می‌کند» (انوری، ۳، ۱۳۹۰: ۱۶۴۱-۱۶۴۲).

تربیت هم از دو ریشه می‌تواند باشد: تربیت از ریشه «ربو» به معنای رشد و زیادت (فیومی، ۱، ۱۴۲۵: ۲۱۷) و اگر از «ربب» مشتق شده باشد معنای آن حضانت (فراهیدی، ۱، ۱۴۱۴: ۶۴۱)، حفاظت، مراعات و سرپرستی است (ابن منظور، ۵، بی‌تا: ۹۶). در خصوص معنی و مفهوم اصطلاحی تربیت تعابیر مختلفی وجود دارد. «تربیت یعنی پرورش و رشد استعدادهایی که آفریدگار جهان، جهت سعادت و کمال انسان در وجود او به ودیعت گذاشته است» (ادیب، ۱۳۷۹: ۱۰، ۱۱).

در قرآن کریم نیز مشتقات تربیت چندین بار به کار رفته است. در آیه ۵ سوره مبارکه حج می‌فرماید: «وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتُ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (حج/۵)؛ زمین را خشک و بی‌حاصل می‌بینی، پس هنگامی که باران فرو می‌فرستیم تکانی می‌خورد و رشد و نمو گیاهان در آن آغاز می‌شود».

تربیت در اصطلاح فقه تربیتی به «فرایند ایجاد تغییرات تدریجی در یکی از ساحت‌های وجودی انسان به واسطه انسانی دیگر به منظور شکوفایی استعدادها از طریق اقدامات ایجابی و سلبی» (اعرافی، ۱، ۱۳۹۳: ۱۴۱) گفته می‌شود.

علی همت بناری در معنای تحلیل تربیتی می‌نویسد: «تحلیل تربیتی احکام فقهی کوششی عقلانی متکی بر واقعیات برگرفته از قرآن، سنت، عقل و تجربه به منظور بررسی علل، اسرار و حکمت‌های احکام و نیز ارائه آثار و نتایج تشریع و التزام عملی به احکام فقهی با رویکرد تربیتی است» (بناری، ۱۳۹۶: ۳۷).



تحلیل تربیتی آیات الاحکام سهم الارث همسران

تحلیل تربیتی آیات، روشی است که می‌توان به آیات مراجعه کرد و با تعمیق در فلسفه آیات الاحکام به اصل مطلب احکام پرداخت. درک عمیق‌تر از احکام، در پذیرش بهتر احکام تاثیرگذار است. یکی از علل عدم توانایی پاسخگویی به شبهات بحث ارث زنان و هم چنین اختلافاتی که در مسائل ارث در بین خانواده‌ها دیده می‌شود، عدم توجه و تعمیق در فلسفه آیات الاحکام ارث است. این آیات صرفاً به قوانین تقسیم اموال اشاره نمی‌کنند، بلکه حاوی پیام‌های عمیقی در مورد روابط انسانی، اخلاق، مسئولیت‌پذیری و عدالت و... هستند. تحلیل تربیتی کمک می‌کند تا به این ابعاد پنهان دست پیدا کرد. به همین منظور، در ادامه به آیه ۱۲ سوره مبارکه نساء رجوع کرده و سهم الارث زنان موشکافی می‌گردد. خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّيَنَّ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تَوْصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ (نساء/۱۲)؛ نصف میراثی که همسران‌تان به جای می‌گذارند، اگر فرزندی نداشته باشند برای شماست، و اگر فرزندی داشته باشند یک چهارم میراث حق شماست، پس از وصیتی که نسبت به مال خود می‌کنند یا [پس از] دینی [که باید از اصل مال پرداخت شود]. و برای زنان‌تان چنانچه فرزندی نداشته باشید یک چهارم میراثی است که از شما به جای می‌ماند، و اگر فرزندی داشته باشید یک هشتم میراث حق آنان است، پس از وصیتی که کرده‌اید یا [پس از] دینی [که باید از اصل مال پرداخت شود]»

اکنون با توجه به آیه فوق، به تحلیل تربیتی که شامل دو بخش فلسفه و آثار و پیامدهای تربیتی آیه است، پرداخته می‌شود:

۱. فلسفه آیه ۱۲ سوره نساء

منظور از فلسفه، همان حکمتی است که خداوند در حکم قرار داده و بر اساس حکمت موجود، حکمی را صادر کرده است. فلسفه آیه ۱۲ سوره نساء می‌تواند به شرح زیر باشد:

الف. حفظ کرامت انسان به ویژه زنان و جلوگیری از تضعیف شخصیت آنان

تقسیم ارث در عصر جاهلیت بر مبنای ارزش‌های جاهلی بوده است و افرادی که توان جنگ و رزم داشتند از ارث بهره‌مند می‌شدند و زنان و کودکان و افراد ناتوان از ارث بی‌بهره

بودند. این معیار بر اثر نگرش آنان به جنبه‌های مادی انسان بود، از دید آنان تنها کسی ارزشمند بود که در به دست آوردن منافع مادی موثر باشد هر چند از راه غارت‌گری و خون‌ریزی باشد؛ زیرا برای اخلاق حرمتی قائل نبودند. در مقابل، شریعت اسلام، انسان را گرامی می‌دارد و او را با چهره «نفخت فیه من روحی» می‌شناساند، بدین جهت در توزیع ارث کرامت انسان را در نظر می‌گیرد و تاثیر افراد در مسائل نظامی و منافع مادی را معیار و مبنا نمی‌داند بلکه انسان بودن را ملاک می‌داند؛ چه زن باشد چه کودک و چه ناتوان. این نوع توزیع و تقسیم ارث، ارزش دادن به کرامت انسان است (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۱۷/ ۴۰۵).

در متون شریعت اسلام به تکریم و احترام زنان سفارش ویژه شده است و به جایگاه حقیقی زنان توجه داده شده است. مثلاً در آیات سوره نحل از شخصیت زن به‌عنوان همسر با عنوان نعمتی الهی برای مردان یاد شده است. خداوند متعال در قرآن کریم، مردان را به معاشرت نیکو با زنان سفارش می‌کند (خالق صفت، ۱۳۹۷: ۹۵). امیر المومنین علیه السلام زن را امانت الهی می‌داند و می‌فرماید: «وَإِنَّهُمْ أَمَانَةُ اللَّهِ عِنْدَكُمْ فَلَا تَضَارُّوهُنَّ وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ؛ زنان امانت‌های الهی در نزد شما هستند پس به آن‌ها ضرری وارد نسازید و بر آن‌ها سخت نگیرید» (نوری، ۱۴۰۹: ۱۴/ ۲۵۱).

در نگاه دینی و اجتماعی، زن دارای استقلال مالی و شخصیت انسانی است و هرگونه اجبار یا فشار برای گرفتن اموال او، خلاف عدالت و کرامت انسانی محسوب می‌شود. فشار برای واگذاری اموال، استقلال و عزت نفس زن را خدشه‌دار می‌کند و او را در جایگاه فردی ضعیف و بی‌پناه قرار می‌دهد.

ب. عدالت براساس فطرت و نقش‌ها

اموال در نگاه قرآن به‌عنوان عامل قوام و پایداری جامعه معرفی شده است: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء/۵)؛ و اموال‌تان را که خداوند مایه قوام زندگی شما قرار داده است، به سفیهان مدهید». بر این اساس، مدیریت ثروت باید در اختیار کسانی قرار گیرد که از توانایی و هوش اقتصادی بیشتری برخوردار بوده و قادر به تولید، فعالیت و پرهیز از مصرف‌گرایی باشند.

زن موجودی است که توان تولید و قدرت و فعالیتش نسبت به مرد کمتر است و در مقابل مصرف او بیشتر است و به تجمل‌گرایی و زینت میل بیشتری دارد، پس باید اختیار ثروت که ستون فقرات جامعه و سبب قوام ملت‌هاست به دست مرد باشد که در اقتصاد کوشاتر است و



در مصرف و تجمل، کم مصرف‌تر. بر این اساس اختیار بخش بیشتر اموال به دست مردان و بخش کمتر به دست زنان است، اما این مساله به معنای داشتن حق بیشتر نیست و در بهره‌برداری زن و مرد از اموال تفاوتی نیست، بلکه معمولاً استفاده زنان از اموال بیش از مردان است؛ زیرا براساس «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ (نساء/۳۲)؛ برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است»، زن اختیار اموال خویش را دارد، افزون بر آن که زن مخارجی بر عهده ندارد، مهریه می‌گیرد و همه هزینه‌های زندگی او (مسکن، خوراک، پوشاک و...) بر عهده شوهر اوست، ولی مرد هنگام تشکیل خانواده همه هزینه‌ها را بر عهده دارد. زن در چنین شرایطی اگر بیشتر از مرد از مال استفاده نکند، در بهره‌مندی از اموال با مرد برابری می‌کند، بنابراین گرچه مسئولیت بخش بیشتر اموال به دست مرد است، لیکن مصرف زن نسبت به مصرف مرد غالباً بیشتر است و زن، سهم خود را هم‌چنان محفوظ می‌دارد (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۱۷/۵۹۱).

ج. استقلال مالی زن و تفکیک شخصیت حقوقی

زن به‌عنوان رکن اساسی و عنصر محوری در نظام خانواده، جایگاهی بنیادین در اندیشه اسلامی و حقوق موضوعه دارد. شارع مقدس با توجه به نقش محوری زن در ایجاد و استمرار کانون خانواده، اهتمام ویژه‌ای به صیانت از حقوق مالی وی مبذول داشته است. اهمیت این امر از آن روست که زن نه تنها مسئولیت‌های عاطفی و تربیتی خانواده را بر عهده دارد، بلکه به‌عنوان محور احساسات و عواطف، وظیفه پرورش روحیه معنوی اعضای خانواده، ایجاد انس و آرامش، تقویت روحی همسر و ایفای نقش مؤثر در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی خانواده را نیز بر دوش می‌کشد.

از منظر فقهی، حفظ و استیفای حقوق مالی زن، فراتر از یک مطالبه فردی تلقی می‌شود؛ بلکه به مثابه ضرورتی برای تحقق امنیت روانی و اقتصادی در محیط خانواده است. چنین حمایتی زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا زن بتواند با فراغ بال و اطمینان خاطر به وظایف محوله شرعی و اجتماعی خود در خانواده بپردازد. بنابراین، اهتمام به حقوق مالی زن نه صرفاً در مقام یک حق شخصی، بلکه به‌عنوان رکن استحکام بنیان خانواده و تحقق مقاصد شریعت در حوزه نهاد خانواده، واجد اهمیت مضاعف است (زین الدینی، ۱۴۰۳: ۷۶).

اسلام نسبت به حقوق پایمال شده زن حساس بوده و حق ثابتی به نام ارث برای او قائل شده است تا از این که فقط سایه‌ای برای مرد و جیره‌خوار او باشد، رهایی بخشد. حق ارثی که

اسلام برای زن قائل شده است دلالت بر این دارد که اسلام با مشارکت زن و مرد در زندگی اجتماعی موافق است. از منظر اسلام زن حق سرمایه‌گذاری و بهره‌بردن از مال به ارث برده را دارد (اسراء، ۱۴۰۱: ۱۰۲).

تعیین سهم ارث برای زن در قرآن و فقه اسلامی نشان می‌دهد که زن به‌عنوان یک شخصیت مستقل حقوقی و مالی شناخته شده است. او می‌تواند مالک شود، تصرف کند و دارایی‌اش را بدون نیاز به اجازه شوهر یا ولی اداره کند (خالق صفت، ۱۳۹۷: ۱۱۷؛ الجمال، ۱۳۹۴: ۱۷۳).

ارث از اسباب مالکیت است (قرائتی، ۱۳۸۶: ۲/۲۴۶)؛ سهم ارث زن به نام خودش ثبت می‌شود و او مالک آن است: «وَلَهُنَّ الرِّبْعُ... فَلَهُنَّ الثَّمَنُ؛ برای همسران یک چهارم یا یک هشتم از میراث است»، نه شوهر یا خانواده‌اش. تعیین سهام ارث نشان می‌دهد زن شخصیت حقوقی مستقل از شوهر دارد و دارایی او با دارایی شوهر یکی نیست: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ (نساء/۳۲)؛ برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است».

د. رعایت حال فرزندان

محدودیت‌های مادی و یا نبود منابع پشتیبان، بستر ساز مشکلات رفتاری و تبعات منفی ذهنی و فرهنگی بسیار جدی می‌شود و جلوی ترقی و بالندگی در فرد را می‌گیرد؛ زیرا از منظر روایات، فقر و تنگدستی آثار منفی فراوانی دارد، از جمله: «نقصان در عقل و ایجاد دشمنی (نهج‌البلاغه: ۴۷۲)، نابودی (نهج‌البلاغه: ۲۵۱)، ناامیدی (خوانساری، ۱۳۶۶: ۴/۵۹۲)، گرفتار شدن به غم و اندوه (خوانساری، ۱۳۶۶: ۲/۴۹۸)، و ارتکاب گناه (نوری، ۱۴۰۹: ۲/۴۱۵)». چنین افرادی، دچار فقدان منزلت اجتماعی و تزلزل شخصیتی می‌شوند و به تدریج، خصلت‌های والای انسانی را از دست می‌دهند و در نهایت به انحراف تمایل می‌یابند. بدین جهت در بسیاری از دعاها، اهل بیت علیهم‌السلام از فقر و تنگدستی به خدا پناه برده و خواستار ثروت و بی‌نیازی شده‌اند (صحیفه سجاده، ۱۴۱۸: ۵۷ و ۱۰۸).

در چنین شرایطی، قرآن کریم برای فرزندان سهم تعیین کرده و سهم هر کدام از ورثه را با در نظر گرفتن حضور و یا عدم حضور آنان بیان نموده است؛ به گونه‌ای که در صورت وجود فرزند هیچ یک از وراث طبقه دوم ارث نمی‌برند. سهام زوجین در صورتی که متوفی فرزندی داشته باشد نصف می‌شود و این تقلیل برای رعایت حال فرزندان است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹:



۳/ ۳۶۸) تا فرزندان نیز از متوفی سهم ببرند و تفاوتی ندارد که فرزند دختر باشد یا پسر (قرائتی، ۱۳۸۶: ۲/ ۲۵۵). از طرفی بیشتر بودن سهم فرزندان متوفی از والدین او، شاید برای آن است که والدین، سال‌های پایانی عمر خود را می‌گذرانند و نیاز کمتری دارند (قرائتی، ۱۳۸۶: ۲/ ۲۵۱). البته منظور از فرزند «ولد» در آیه، اعم از باواسطه و بی‌واسطه است، بنابراین اگر کسی بمیرد و نوه داشته باشد، هر یک از وارثان سهم اقل را می‌برند و سهم کامل به آن‌ها نمی‌رسد (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۱۷/ ۵۶۷).

۵. تعهد به اصول اخلاقی و پرداخت حقوق دیگران

تکرار و تاکید بر پرداخت دین از ماترک قبل از تقسیم ارث در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره مبارکه نساء حاکی از اهمیت بالای تعهد در روابط اجتماعی است. اولویت پرداخت دین، نشانه‌ای از تعهد به اصول اخلاقی و وفاداری به وعده‌ها است، چنان‌که در قرآن کریم تاکید شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ (مائده/۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید به پیمان‌ها وفا کنید».

در مجمع البیان در ذیل جمله (مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ) از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت آورده که فرمود: «(هر چند هنگام خواندن قرآن) شما در این آیه وصیت را قبل از دین می‌خوانید و (لیکن در مقام عمل) رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حکم کرد به این‌که قبل از عمل به وصیت میت باید قرض او داده شود» (طبرسی، ۱۴۱۵: ۳/ ۳۱؛ سیوطی، بی‌تا: ۲/ ۴۴۷).

شیخ طوسی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُدْأُ بِهِ مِنَ الْمَالِ الْكَفْنَ ثُمَّ الدِّينُ ثُمَّ الْوَصِيَّةُ ثُمَّ الْمِيرَاثُ؛ اولین چیزی که از نظر مالی باید شروع کرد، کفن است، سپس بدهی، سپس وصیت، سپس ارث» (طوسی، ۱۳۶۵: ۱۸۸ و ۱۸۹).

برخی از اندیشمندان فقهی قائل به عدم مالکیت وراثت قبل از پرداخت دین و عمل به وصایا هستند. بر این اساس قبل از پرداخت دین و عمل به وصایا، ترکه در ملک متوفی باقی مانده و به هیچ یک از ورثه منتقل نمی‌گردد (محقق اردبیلی، بی‌تا: ۶۴۹/ فاضل کاظمی، بی‌تا: ۴/ ۱۷۲ و ۱۷۳: ر.ک: قبولی درافشان، ۳۹۲: ۱۵۹).

قطب راوندی می‌نویسد: «اگر بدهی‌های میت تمام مال او را در برگیرد، نه وصیت اجرا می‌شود و نه میراثی باقی می‌ماند و اگر پس از پرداخت بدهی چیزی باقی بماند، وصیت اجرا می‌شود؛ مشروط بر آن‌که بیش از یک سوم مال باقی‌مانده پس از بدهی نباشد و اگر وصیت بیشتر از یک سوم باشد، به همان یک سوم کاهش داده می‌شود» (راوندی، بی‌تا: ۲/ ۳۳۵).

۲. پیامدهای تربیتی آیه ۱۲ سوره نساء

آیات الاحکام دارای پیامدهای تربیتی هستند که انسان با توجه کردن به این پیامدها، می‌تواند بیش‌تر از این آیات بهره‌مند شود. از جمله پیامدهای تربیتی آیه ۱۲ سوره نساء عبارتند از:

الف. جلوگیری از نزاع زوجین

دانستن حقوق هر یک از زوجین بر دیگری اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا هر کدام از آن‌ها را برای تحمل مسئولیت آماده می‌کند و به سوی هدف متعالی خانواده که همان سعادت خانواده است، هدایت می‌کند و خطر بزرگی را دفع می‌کند که همان نزاع زوجین است. یکی از عوامل دفع این خطر این است که انجام حقوق متقابل، سبب جلب محبت و مهربانی می‌شود و الزامی بودن این قوانین، آرامش نفس و دوری از تنازع را به همراه می‌آورد و مانع از کوتاهی کردن در انجام وظایف می‌شود (عتر، ۱۴۲۴: ۱۲۰ و ۱۲۱).

ب. فراگیری احساس مسئولیت

رعایت حق هم‌کیش و برادر ایمانی «طلبکار»، نقش مهمی در اعتمادسازی، انگیزه و رغبت افراد متمکن در قرض دادن به دیگران دارد و در حاکمیت بخشی فضای آرامش و امنیت در حوزه اقتصادی مؤثر است، از همین رو در آموزه‌های دینی تأکید شده است که باید بدهکار مواردی را در حق طلبکار، رعایت کند. یکی از این موارد، تلاش برای پرداخت بدهی است. بدهکار در تعامل با طلبکار باید بداند بنابر فرموده امام صادق علیه السلام قرض و بدهی به دیگران به عنوان امانت است: «مَنْ كَانَ عَلَيْهِ دَيْنٌ يَتَوَى قَضَاءَهُ كَانَ مَعَ مِنَ اللَّهِ حَافِظًا يُعِينَانِهِ عَلَى الْأَدَاءِ عَنْ أَمَانَتِهِ فَإِنْ قَصَرَتْ نِيَّتُهُ عَنِ الْأَدَاءِ قَصَرَ عَنْهُ مِنَ الْمَعُونَةِ بِقَدْرِ مَا قَصَرَ مِنْ نِيَّتِهِ؛ هر کس بدهکار باشد و قصد پرداخت بدهی‌اش را داشته باشد، دو نگهبان از جانب خداوند همراه او خواهند بود که او را در ادای امانت یاری می‌کنند. اما اگر نیت او در پرداخت کوتاهی کند، یاری خداوند نیز به همان اندازه از او کاسته می‌شود» (کلینی، ۱۳۶۷: ۵/ ۹۵).

بدهکاری حتی با شهادت در راه خدا هم، سر جای خود باقی خواهد ماند و کفاره و جایگزینی برای آن نیست مگر آن‌که پرداخت شود یا درخواست بخشش از طلبکار صورت گیرد؛ با این‌که اولین قطره خون شهید کفاره تمام گناهان او خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۰/ ۱۴۱؛ ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۳۶۲: ۱۲/ ۱).



یکی از دستورات این آیه، ادای دین قبل از توزیع ارث است که می‌تواند به ایجاد احساس مسئولیت در افراد کمک کند. این حکم نشان‌دهنده مسئولیت انسان در مقابل تعهدات مالی خویش است که نه تنها در زمان حیات بلکه حتی پس از مرگ نیز این تعهدات پابرجاست و باید از مال میت پرداخت شود. دلیل این احساس مسئولیت این است که فرد می‌آموزد مسئولیت‌هایی فراتر از منافع شخصی خود دارد و باید به حقوق دیگران احترام بگذارد.

ج. افزایش اعتماد به نفس

استقلال اقتصادی زنان، موجب رفاه بیش‌تر در زندگی و بی‌نیازی آن‌ها به دیگران در بسیاری از هزینه‌های شخصی و خانوادگی می‌شود و آنان می‌توانند بدون اجازه همسر از دارایی خود بهره ببرند و در هنگام نیاز، به خانواده و دوستان خود کمک کنند. داشتن درآمد و پشتوانه مالی، می‌تواند در ایجاد اعتمادبه‌نفس در زنان نقشی اثرگذار داشته باشد و نگرانی و ترس از نداشتن پشتوانه مالی را در آینده، برطرف کند (انتصاری، ۱۳۹۴: ۱۲-۱۴).

آن‌چه بین فقهای شیعه مشهور است، این است که زوجه از زمین مطلقاً ارث نمی‌برد و فقط از قیمت بنای زمین ارث به او ارث می‌رسد (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۳۴۴)؛ اما آن‌چه که از آیات الاحکام ارث به خصوص آیه ارث زوجین به دست می‌آید، این است که چنین تبعیضی بین ارث زوج و زوجه دیده نمی‌شود و اطلاق آیات تمام مایملک متوفی را شامل می‌شود و ثانیاً این مساله در فقه امامیه مورد اختلاف است. در این‌باره تعدادی از نظرات فقها آورده می‌شود:

سید مرتضی ارث زوجه را از قیمت زمین می‌داند (نجفی، ۱۳۶۲: ۳۹/۲۱۴). برخی از فقهای شیعه این مورد را محدود به خانه و مسکن دانسته‌اند و در غیر آن دو، زوج و زوجه در ارث برابر هستند (نجفی، ۱۳۶۲: ۳۹/۲۱۴). تعدادی از فقها، محرومیت زوجه از ارث زمین را تنها به مورد نداشتن فرزند اختصاص داده‌اند و در غیر آن زن و شوهر در ارث برابرنند (نجفی، ۳۹، ۱۳۶۲: ۲۱۶). صاحب جواهر بعد از پذیرفتن نظر مشهور فقها بر ارث بردن زوجه از قیمت ساختمان زمین، چنین بیان می‌دارد که آیات ارث مطلق هستند و بسیاری از فقهای مشهور در این مورد نظری نداده‌اند (نجفی، ۱۳۶۲: ۳۹/۲۰۷ و ۲۰۸؛ رک: عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۳۴۵).

صاحب «دعائم الاسلام» روایات مربوط به عدم ارث زوجه از زمین را مجمل شمرده که تفسیر درستی از آن‌ها ارائه نشده است و ظاهر این روایات را مخالف کتاب خدا و سنت و اجماع ائمه و اجماع امت دانسته است و آن روایات را به محرومیت زوجه از زمین در خصوص

اراضی مفتوح العنوه یا اراضی موقوفه تفسیر نموده است که معمولاً هدف از آن‌ها تقویت مالی مردان است و سپس در تساوی ارث زوجین نسبت به زمین، به اطلاق آیات ارث استناد نموده و جز آن را جایز نمی‌داند (مغربی، ۱۳۸۵: ۲/ ۳۹۶ و ۳۹۷).

از بین فقهای معاصر آیت الله صافی می‌فرماید: اگر زوجه از زوج فرزند داشته باشد زوجه از عین زمین هم ارث می‌برد. نظر مقام معظم رهبری این است که زوجه چه از زوج فرزند داشته باشد و چه نداشته باشد، از قیمت زمین ارث می‌برد (<https://www.leader.ir/fa/content/۲۸۱۷۶>).

نتیجه‌گیری

تحلیل تربیتی آیات الاحکام سهم الارث همسران، چیزی فراتر از یک تقسیم‌بندی ریاضی است و به مفاهیم عمیق اجتماعی و روان‌شناختی اشاره دارد. به طور کلی تحلیل تربیتی این آیات را می‌توان به چهار محور اصلی خلاصه کرد:

۱. برقراری امنیت اقتصادی و حمایت از آسیب‌پذیری

از منظر تربیت، هدف این آیات، تامین امنیت اقتصادی است، نه صرفاً توزیع ثروت. در ساختار سنتی و تاریخی، با مرگ یکی از زوجین، فرد بازمانده (به‌ویژه زن) با ریسک‌های اقتصادی روبرو می‌شد. تعیین سهم مشخص، یک شبکه حمایتی ایجاد می‌کند تا فرد در لحظه سوگ، دچار فروپاشی اقتصادی نشود.

۲. تثبیت نظام مسئولیت‌پذیری (نقش‌های جنسیتی و اقتصادی)

آیات الاحکام در کنار تقسیمات ارث، با مفاهیم «نفقه» و «مسئولیت» پیوند دارد. در این نظام، سهم زن در برخی موارد با سهم مرد متفاوت است؛ زیرا مرد در نظام اسلامی مسئول تامین هزینه‌های زندگی است. تقسیم ارث در واقع بازگشت بخشی از سرمایه‌ای است که در طول زندگی در قالب نفقه از مرد به زن داده شده است. نتیجه تربیتی آن می‌تواند آموزش مفهوم عدالت به جای برابری صرف باشد. عدالت یعنی هر کس متناسب با وظایفی که بر عهده دارد، از حقوق خود برخوردار شود.



۳. رعایت حال فرزندان و توجه به بقای نسل

تقسیم ارث براساس وضعیت وجود فرزند یک نکته تربیتی کلیدی دارد. اگر زوجین فرزند داشته باشند، سهم ارث همسر کاهش می‌یابد. این امر نشان می‌دهد که در نظام ارزشی اسلام بقای نسل و تامین نیازهای فرزندان اولویت دارد.

۴. جلوگیری از نزاع و پیوند میان اخلاق و حقوق

یکی از بزرگترین چالش‌های تربیتی در خانواده، پس از مرگ یکی از اعضای خانواده، تبدیل شدن پیوند عاطفی به نزاع بر سر مال است. این آیات با تعیین دقیق و مشخص (بدون ابهام)، فضایی برای تفسیرهای شخصی و جنگ‌های خانوادگی باقی نمی‌گذارد.

پیشنهادهای

از آنجایی که تقسیم ارث در جوامع بشری همواره مورد اختلاف بوده، در بسیاری اوقات سبب تنش در خانواده‌ها شده است، به طوری که قطع رحم‌های طولانی را در پی دارد، پیشنهاد می‌گردد. مبلغین گرامی در جهت اطلاع‌رسانی از نحوه تقسیم ارث کوتاهی ننموده و همچون سایر احکام، به نحوه تقسیم ارث به طور اجمالی و فلسفه و آثار تربیتی آن در مجامع عمومی، رسانه و فضای مجازی به طور مفصل پرداخته و عموم مردم را با این موضوع آشنا نمایند. نحوه تقسیم و توزیع ارث در اسلام بر اساس فطرت (خلقت زن و مرد) و عدالت (اصل نیاز) بوده است، این مساله باعث سوء برداشت‌هایی توسط فرصت‌طلبان گردیده است تا جایی که از این مسیر در راستای ضربه زدن به اسلام استفاده نموده و اساس حق و عدالت اسلام را زیر سوال برده است. آگاهی عموم مردم از فلسفه این تفاوت‌ها و ریزبینی و دقت اسلام در رعایت انصاف و عدلت، راهی است که این احکام در دل‌ها رسوخ نماید و راه را بر فرصت‌طلبان می‌بندد. با توجه به ظرفیت گسترده آیات الاحکام، پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های مشابهی در زمینه دیگر احکام قرآنی، مانند معاملات، قصاص، نکاح و ... صورت گیرد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

صحیفه سجادیه، (۱۴۱۸)، قم: الهادی.

کتاب

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، قم: جامعه مدرسین.
- ابن فارس، احمد (۱۴۲۹)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (بی تا) لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ادیب، علی محمد حسین (۱۳۷۹)، راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، م: سید محمد راد منش، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اسراء، اسد (۱۴۰۱)، جایگاه حقوق و احکام ویژه زنان در قرآن کریم، م: روح الله نصیری، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- اعراف، علیرضا (۱۳۹۳)، فقه تربیتی، قم: موسسه اشراق و عرفان.
- انوری، حسن (۱۳۹۰)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن.
- الجمال، محمد محمود (۱۳۹۴)، الحریة و تطبیقاتها فی الفقه الاسلامی، مصر: دار الکلمه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۱)، تسنیم، قم: اسراء.
- خالق صفت، فاطمه (۱۳۹۷)، جایگاه زنان در قرآن و عهدین، قم: نشر هاجر.
- خوانساری، آقا جمال (۱۳۶۶)، شرح غرر و در، تهران: دانشگاه تهران.
- الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۷)، مفردات الفاظ القرآن، قم: طلیعه نور.
- الروانندی، قطب الدین (بی تا)، فقه القرآن، قم: نشر آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- سیوطی، جلال الدین (بی تا)، در المنثور فی تفسیر بالماثور، بیروت: دارالفکر.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵)، مجمع البیان، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب العلمیه.
- عاملی جزینی (شهید الاول)، شمس الدین محمد (بی تا)، قم: للدروس الشرعیه فی الفقه الامامیه، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین (۱۴۱۲)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- عتر، نور الدین (۱۴۲۴)، ماذا عن المرأة، دمشق: الیمامه.



عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲)، آیات الاحکام، سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، (نرم افزار جامع فقه).

فاضل کاظمی، جواد (بی تا)، مسالک الافهام الی آیات الاحکام، تهران: مرتضوی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴)، العین، قم: انتشارات اسوه.

فیروزآبادی، مجدالدین (بی تا)، قاموس المحيط، بیروت: دارالعلم.

الفیومی المقری، احمد (۱۴۲۵)، مصباح المنیر، قم: موسسه دارالهجرة.

قرائتی، محسن (۱۳۸۶)، تفسیر نور، ج ۱۵، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.

کلینی، محمد (۱۳۶۷)، الفروع من الکافی، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامی.

محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، شرایع الاسلام فی الحلال و الحرام، قم: اسماعیلیان.

المغربی، النعمان، (۱۳۸۵)، دعائم الاسلام، قم: موسسه آل البيت .

مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا)، زبدة البیان فی احکام القرآن، تهران: المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفرية.

معین، محمد (۱۳۸۸)، فرهنگ معین، تهران: زرین.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹)، تفسیر نمونه، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

نجفی جواهری، محمد حسن (۱۳۶۲)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

نوری، حسین (۱۴۰۹)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: آل البيت .

مقالات

انتصاری، آمنه (اردیبهشت ۹۴)، «استقلال مالی زن و استحکام خانواده»، سامانه مدیریت نشریات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. دوره ۲۴، شماره ۲۷۸، ص ۱۲ تا ۱۴.

زین الدینی، فاطمه، قره چمنی، فاطمه (بهار ۱۴۰۳)، «بررسی حقوق مالی و اقتصادی زن در پرتو تحولات اجتماعی»، مطالعه راهبردی زنان، دوره ۲۶، شماره ۱۰۳، ص ۷۵ تا ۱۰۱.

قبولی درافشان، محمد مهدی، قبولی درافشان، محمد هادی (زمستان ۹۲)، «بررسی فقهی حقوقی ترکه پس از فوت متوفی»، نشریه فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره هفتم،

بناری، علی همت (بهار و تابستان ۱۳۹۶)، «درآمدی بر تحلیل تربیتی احکام فقهی عرصه ای نو در تعلیم و تربیت اسلامی»، مطالعات فقه تربیتی، ۶

سایت